

آینده مقاومت و نقش آن در پرتو تنش میان ایران و آمریکا*

عدنان ابوعمار^۱

چکیده

در حالی که تنش امنیتی در منطقه، بویژه میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران روبه افزایش است، تمامی نگرش‌ها به سوی نقش مقاومت فلسطین در این رویارویی است که به صورت بیانات و اظهار نظرهای سیاسی و رسانه‌ای، تحریم‌های اقتصادی و چه بسا احتمال جنگ نظامی بین تهران و واشنگتن و یا همپیمانان آن‌ها نمود پیدا می‌کند. ایران معتقد است که حمایت این کشور از مقاومت مسلحانه فلسطین، ناگهانی و یا مرتبط به تحقق برنامه‌های منطقه‌ای آنی و زودگذر نیست، بلکه ریشه در تاریخ و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ داشته و با پیروزی انقلاب اسلامی شاهد افزایش حمایت‌های سیاسی و رسانه‌ای بوده و امام خمینی (ره) اولین رهبر انقلاب اسلامی، سفارت رژیم صهیونیستی در زمان شاه مخلوع را به سفارت فلسطین تغییر داد و در سال‌های اول انقلاب، روابط مستحکمی با یاسر عرفات رهبر فقید فلسطین داشته است. در این پژوهش ضمن اشاره به انواع حمایت‌های مادی و معنوی، نظامی و تسلیحاتی، سیاسی، رسانه‌ای و تبلیغاتی جمهوری اسلامی از ملت مقاوم فلسطین، به روابط میان ایران و جنبش‌های حماس، جهاد اسلامی و سایر گروه‌های مقاومت فلسطین پرداخته و آن را در امتداد کشورهای محور مقاومت شامل جمهوری اسلامی ایران، سوریه و لبنان به عنوان پشتیبان و حامی این گروه‌ها قلمداد نموده و سرنوشت همه این کشورها را به یکدیگر مرتبط دانسته است. گروه‌های مقاومت فلسطین بطور عموم و جنبش حماس بطور خاص همواره اعلام نموده که روابط ویژه‌ای با ایران دارند زیرا دشمن مشترک آنان رژیم صهیونیستی است و راهبرد ما مقابله و رویارویی با رژیم صهیونیستی است. رژیم صهیونیستی دشمن مشترک ماست و ایران حمایت‌های خود را از مساله فلسطین متوقف ننموده و آخرین آن راهپیمایی‌های بازگشت در غزه است. طرفین به مشارکت راهبردی در سرنوشت خود دست یافته‌اند. واژگان کلیدی: مقاومت فلسطین، محور مقاومت، راهبرد «توحید و یکپارچگی جبهه‌ها»، معامله قرن

* ترجمه مقاله مستقبل ودور المقاومة الفلسطينية فی ضوء التوتیر الإيراني الأمريكي
۱. رئیس بخش علوم سیاسی دانشگاه الامه غزه در فلسطین (adaban2018@gmail.com)

مقدمه

در حالی که تنش‌های امنیتی در منطقه بویژه میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران رو به فزونی است، تمامی نگرش‌ها به سوی نقش مقاومت فلسطین در این رویارویی است که می‌تواند به صورت بیانات و اظهارنظرهای سیاسی و رسانه‌ای، تحریم‌های اقتصادی و چه بسا احتمال جنگ نظامی بین تهران و واشنگتن و یا همپیمانان آن‌ها نمود پیدا می‌کند.

ایران معتقد است که حمایت از جنبش‌های مقاومت مسلحانه فلسطین، ناگهانی و یا مرتبط به تحقق برنامه‌های منطقه‌ای آنی و زودگذر نیست، بلکه ریشه در تاریخ و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ داشته و با پیروزی انقلاب اسلامی شاهد افزایش حمایت‌های سیاسی و رسانه‌ای بوده و امام خمینی (ره) اولین رهبر انقلاب اسلامی، سفارت رژیم صهیونیستی در زمان شاه مخلوع را به سفارت فلسطین تغییر داد و در سالهای اول انقلاب، روابط مستحکمی با یاسر عرفات رهبر فقید فلسطین داشته است.

حمایت ایران از مقاومت فلسطین

با ظهور جنبش‌های مسلحانه فلسطینی، بویژه جنبش‌هایی با ماهیت اسلامی، عقیدتی و ایدئولوژیک، ایران انواع حمایت‌های خود را از این جنبش‌ها آغاز کرد و این امر تاکید می‌کند که ایران نمی‌خواهد از جایگاه پیشرو خود در خاورمیانه عقب‌نشینی کند، از این رو حمایت‌های خود از گروه‌های مسلح فلسطینی را به اشکال زیر ادامه داد:

۱. حمایت مالی

حقایق میدانی و نیز گزارشات امنیتی رژیم صهیونیستی و غربی و ارزیابی‌های عربی و فلسطینی حاکی از آن است که تهران با تعیین بودجه ثابت سالانه، حامی اصلی جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی فلسطین بوده و علاوه بر آن در شرایط ویژه مبالغی را که به صدها میلیون دلار تخمین زده می‌شود، پرداخت می‌کند.

حمایت ایران از مقاومت فلسطین از دیر باز ادامه دارد و بطور دقیق‌تر از زمان آغاز انتفاضه دوم در اواخر سال ۲۰۰۰ میلادی و یا در سال ۲۰۰۳ که اتحادیه اروپا حماس را جزء سازمان‌های حامی تروریسم قلمداد کرد، بیشتر شد به خصوص پس از محاصره بین‌المللی علیه این جنبش و جلوگیری از هرگونه کمک‌رسانی به آن، که موجب محرومیت سیاسی و حمایت لجستیکی شد، بسته شدن

بسیاری از پایتخت‌های کشورها برای جنبش و تحرکات آنها و اعمال سیاست‌های «گرسنه نگهداشتن به هدف به زانو در آوردن آن» تمام این اقدامات سبب شد حماس برای حفظ بقا و تداوم پایداری و مقاومت خود، درب‌های دیگری مثل ایران را بکوبد. روابط ایران با جنبش حماس به دنبال پیروزی این جنبش در انتخابات قانونگذاری سال ۲۰۰۶ و تشکیل دهمین دولت فلسطینی به ریاست اسماعیل هنیه، رئیس کنونی جنبش، و تحریم‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی علیه آن رو به فزونی گذاشت.

۲. حمایت نظامی و تسلیحاتی

علیرغم اینکه ایران همواره سعی داشته بر حمایت‌های نظامی و اجرایی خود به سازمان‌های مقاومت فلسطینی سرپوش گذارد و یا آن را انکار کند و کمک‌های خود را سیاسی، رسانه‌ای و انسانی نشان دهد ولی حقایق بصورت قاطعانه چنین انکاری را تکذیب می‌کند چرا که این حقایق مبتنی بر پایگاه گسترده‌ای از اطلاعات موجود مشتمل بر حمایت آموزشی مبارزه صدها تن از مسلحین فلسطینی در چارچوب «سپاه پاسداران ایران» و در اختیار گذاردن تعداد زیادی موشک که روی شهرک‌های یهودی‌نشین پرتاب می‌شود، بوده است.

«سپاه قدس» در راستای تأمین ساخت موشک‌های پیشرفته‌ای چون تفنگ‌های تک‌تیرانداز، سلاح‌های اتوماتیک و سکویهای پرتاب، توانمندی ایجاد ترکیب مواد منفجره ضدزره، ساخت و استفاده از فناوری بسته‌های انفجاری هوشمند را دارد بنابراین سعی می‌کند به منظور ایجاد عمق راهبردی به مقاومت فلسطین، این حمایت‌های نظامی را در اختیار آنان قرار دهد.

بسیاری از اظهار نظرها گویای رضایت ایران از توانمندی گروه‌های فلسطینی در مقابله با رژیم صهیونیستی است. ایران پس از کمک به ساخت زرادخانه موشکی مشتمل بر هزاران موشک با برد کوتاه، متوسط و دوربرد و ارائه توانمندی بسیار با قدرت بالا به این گروه‌ها و امکان ایجاد بحران منطقه‌ای، توانسته این گروه‌ها را از «سازمان‌های دردسر ساز به گروه‌های خطر راهبردی» تغییر دهد و به جایگاهی رسانده که در جنگ اخیر رژیم صهیونیستی علیه غزه در تابستان سال ۲۰۱۴ تبلور یافت.

با نگاهی به شرایط میدانی و پوشش خبری و رسانه‌ای، می‌توان کمک‌های نظامی ایران به گروه‌های مقاومت فلسطین را در موارد ذیل بیان کرد:

الف: آموزش صدها تن از فعالان با انواع وسایل و روش‌های مبارزه و رزمی؛

ب: انتقال وسایل رزمی از جمله موشک‌هایی با برد ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر که به سوی شهرک‌های

یهودی‌نشین مثل بئر السبع و آسدود و اخیراً موشکی با برد ۶۰ کیلومتر که به طرف تل‌آویو پرتاب شد؛

پ: تربیت و انتقال فناوری علوم، فنون و مهارت‌های تکنولوژیکی - کاربردی، جهت بهره‌برداری از آن در تولید و توسعه ادوات جنگی که در اختیار دارند، از جمله افزایش توان انهدامی بسته‌های انفجاری که در جاده‌ها و گذرگاه‌ها کاربرد دارد و توسعه تنوع موشک‌هایی که به سوی مناطق رژیم صهیونیستی پرتاب می‌شود؛

ت: بهبود توانمندی عملیات ضد رژیم صهیونیستی و تقویت بنیه زیرساخت‌های نظامی در غزه؛
ث: افزایش سطح خودباوری گروه‌های فلسطینی و افزایش توانمندی آنها جهت رویارویی با رژیم صهیونیستی در آینده با هدف تسلط فعالان از طریق آموزش‌های جنگی و با توجه به اینکه بخشی از آنها وظیفه جنگی دارند و برخی دیگر در «واحد رهگیری» فعالیت دارند؛
ج: انجام تمریناتی در زمینه‌های تاکتیکی که بتواند آنها را در رزم میدانی متمایز کند و نیز کیفیت بهره‌گیری از ادوات و وسایل جنگی، به گونه‌ای که در زمان بازگشت به غزه مهارت‌های لازم را در زمینه‌های فناوری پیشرفته و پرتاب موشک و نیز استفاده از بسته‌های انفجاری، تک‌تیراندازی و سایر تکنیک‌ها فراگرفته‌اند.

۳. حمایت سیاسی و معنوی

ادبیات سیاسی ایران همواره مبتنی بر توجیه ارسال پیام‌های حمایت و پشتیبانی از مسأله فلسطین و محکومیت و مخالفت با هر گونه سرکوب و محاصره تحمیلی علیه فلسطینیان در نوار غزه بوده است. سیاست ایران در قبال تجاوزات رژیم صهیونیستی علیه مقاومت فلسطین در موارد زیر مطرح شده است:

الف: محکومیت شدید این جنگ‌ها در عرصه‌های سیاسی، دیپلماتیک، رسانه‌ای و مردمی؛
ب: حمله گسترده و شدید علیه سیاست‌های «رژیم صهیونیستی» همراه با تاکید بر نزدیک بودن نابودی این رژیم؛

پ: مخالفت با مورد تحمیل قرار دادن مسئولیت آغاز جنگ به مقاومت فلسطین و دعوت زودهنگام به شنیدن اظهارات مقاومت فلسطین در محافل بین‌الملل و مخالفت با فقدان مشروعیت وجود مقاومت به عنوان جنبش‌های مقاومت و جلوگیری از اخراج آن از بازی سیاسی و شکستن محاصره سیاسی علیه آن؛

ت: کمک به درخواست‌های پایان محاصره، گشایش گذرگاه‌ها و پشتیبانی از آتش‌بس با ارتش

رژیم صهیونیستی؛

ث: تحرکات دیپلماتیک همزمان با خویشتنداری و توجه به اعلام کمک کامل به جنبش‌های مقاومت از طریق تمامی راه‌های ممکن.

مواضع ایران در حمایت از مقاومت فلسطین همراه با سیاست‌های خصمانه این کشور در قبال «رژیم صهیونیستی» بوده که در اظهارات مقامات عالی‌رتبه سیاسی و دینی و تحرکات حمایتی مردم متجلی شده است. بنابر این ایران همواره سعی نموده مواضع خود را با مقاومت فلسطین هماهنگ کند و سیاست خود را از طریق سفرهای مکرر دوره‌ای فعال نماید.

۴. حمایت رسانه‌ای و تبلیغاتی

حمایت رسانه‌ای ایران از مقاومت فلسطین ابعاد گسترده‌ای داشته و بخش زیادی از پخش تلویزیونی و صفحات روزنامه‌ها را به این موضوع اختصاص داده است. این امر سبب شد «رژیم صهیونیستی» با این مدعا که گروه‌های فلسطینی سعی دارند روابط خود با ایران را «نهادینه» کنند و جهت کنترل اوضاع در اراضی فلسطین در قبال این حمایت‌ها و انتقال محور ایران به منطقه، حجم تحریک علیه گروه‌های مقاومت را افزایش داد.

بخش‌های مختلف فلسطین به این نوع حمایت ایران به عنوان یکی از منابع کمک که می‌توان روی آن حساب باز کرد و بر اساس نگرش راهبردی در مقابله با تهدیدات و خطرات شدیدی که حول مساله فلسطین را فرا گرفته، می‌نگرند. ولی مقاومت فلسطین روابط با ایران را با هدف تاکید بر حضور خود در صحنه‌های عربی و منطقه‌ای و کسب اطلاع از دیدگاه‌های آنها و گشایش سیاسی و رسانه‌ای و تأمین ابعاد جغرافیایی جدید برای تحرکات سیاسی خود پس از بسته شدن بسیاری از پایتخت‌های کشورهای پیگیری می‌کند.

رهبران مقاومت در اظهارات مکرر خود در این نداشتند که بگویند: «رژیم صهیونیستی در اشتباه است اگر گمان می‌کند که مردم فلسطین در این نبرد تنها هستند، زیرا فلسطین بخشی از امت اسلامی است و ایران عمق راهبردی آن است». گروه‌های مقاومت بارها از ایران بخاطر حمایتی که از فلسطینیان داشتند و به این اعتبار که موجب افتخار و عزت مسلمانان است و باعث تقویت «مقاومت فلسطین» شده است، تشکر و قدردانی نموده‌اند.

از سوی دیگر بر طبق اظهارات رهبران ایران مردم این کشور از ارائه هرگونه کمک به فلسطینیان در غزه دریغ نمی‌ورزند و خواستار تداوم حمایت از سازمان‌های مقاومت تا «آزادی فلسطین» شده‌اند، بنابراین نزدیک و یا دور شدن از اصل حق مقاومت، بیانگر «پارامتر» سیاسی است که

گروه‌های فلسطینی حجم روابط خود با ایران را بر آن استوار می‌دانند و می‌توان شکل آینده روابط را بر اساس همین منوال ارزیابی کرد.

اوجگیری آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران

زمان تهیه این پژوهش حجم تهدیدات ایرانی، آمریکایی و رژیم صهیونیستی به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و به مقاومت فلسطین رسیده تا جائیکه برخی از گروه‌ها اشاره داشته‌اند که در صورت بروز هرگونه تجاوزی از سوی هر طرفی علیه ایران کل محور مقاومت آماده پاسخگویی به آن است.

انستیتو پژوهش‌های امنیت ملی رژیم صهیونیستی وابسته به دانشگاه تل‌آویو با صدور ارزیابی راهبردی خود اظهار می‌دارد احتمال زیادی وجود دارد که درگیری‌های نظامی بین «رژیم صهیونیستی» و ایران، حزب الله و فلسطینیان به‌راه افتد زیرا اکثر جبهه‌های پیرامونی رژیم صهیونیستی در انتظار انفجار است و تنها در انتظار صاعقه و یا جرقه‌ای است که آن را شعله‌ور کند. رژیم صهیونیستی معتقد است در صورت بروز چنین سناریویی مبتنی بر فرضیه رویارویی نظامی فراگیر، این رژیم در مقابل یک جبهه واحد نخواهد بود بلکه خود را در مقابل «جنگ کل مجموعه»، یعنی ایران، سوریه و حزب الله در شمال، سازمان‌های فلسطینی در جنوب و نوار غزه خواهد دید، لذا مستلزم این است که خود را برای چنین حالتی آماده کند.

در واقع چنین ارزیابی‌هایی همزمان با افزایش سطح تنش‌های بی‌سابقه از زمان ورود دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به کاخ سفید بوده است و مجموعه سوالاتی که همزمان با این فرضیه مطرح می‌شود این‌ها است: آیا ایالات متحده حمله‌ای را علیه ایران آغاز خواهد کرد؟ آیا این جبهه‌ها با هدف سرگرم کردن «رژیم صهیونیستی» در حمله به ایران، تهاجم پیشگیرانه‌ای را آغاز خواهند کرد؟ موضع فلسطینیان در پیوستن به ایران و حزب الله چه خواهد بود؟ و موضع ایران و حزب الله در صورتی که غزه مورد تهاجم رژیم صهیونیستی قرار گیرد، چه خواهد بود؟

طی مدت اخیر؛ مواضع رژیم صهیونیستی و فلسطینی مبنی بر امکان ورود به درگیری در چند جبهه بطور فزاینده‌ای افزایش داشته است، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، اعلام می‌کند که «ما در آن واحد در تمامی جبهه‌ها عمل خواهیم کرد» شاید منظور وی امکان بروز جبهه‌های نظامی دیگری در غزه و یا سوریه در کمک به حزب الله در صورت رویارویی با تجاوز رژیم صهیونیستی بوده باشد.

یوفال/اשתاینس وزیر انرژی رژیم صهیونیستی در خصوص «پرتاب موشک از سوی ایران به سوی رژیم صهیونیستی از طریق مقاومت فلسطین در نوار غزه و یا حزب الله لبنان» در شرایط افزایش اوضاع امنیتی با ایالات متحده هشدار داده است.

افیغدور لیبرمن وزیر جنگ مستعفی نیز اعلام کرده است که «رژیم صهیونیستی در یک زمان آمادگی مقابله با چند جبهه را دارد و می‌تواند در یک زمان علیه حزب الله لبنان و حماس در غزه وارد نبرد شود».

این هشدار رژیم صهیونیستی همزمان با ارزیابی‌هایی مبتنی بر وجود هماهنگی کامل بین طرف‌های محور ایرانی در منطقه که نمود آن تدابیر سیاسی و نظامی، وجود طرح مقابله با حمله رژیم صهیونیستی و آمریکایی به ایران، در جبهه‌ای عریض و طویل و کامل از طریق توحید و یکپارچگی سه جبهه مشمل بر: غزه، لبنان و جولان و پاسخ همزمان به «رژیم صهیونیستی» از طریق اتاق عملیات مشترکی مانند آنچه در غزه وجود دارد، می‌باشد.

مقاومت فلسطین از نزدیک تحرکات رژیم صهیونیستی را در تمامی جبهه‌ها تحت نظر دارد و معتقد است که «جبهه‌ها یک مجموعه کامل بوده و نمی‌توان غزه را از لبنان و ایران جدا کرد، زیرا دشمن ما یکی است هرچند که جبهه‌ها متعدد باشد، به رژیم صهیونیستی اجازه نخواهند داد با هر جبهه‌ای به تنهایی مقابله کند» و این بیانگر ارزیابی موضع محوری است که ایران رهبری آن را برعهده دارد و می‌تواند وارد نبردی در جبهه‌های متعدد شود و زمینه را برای بحث و بررسی این سناریو باز گذاشته که آیا گروه‌های فلسطینی آمادگی لازم را برای آن دارند.

ایران حامی اصلی گروه‌های فلسطینی بشمار می‌رود، این مساله می‌تواند این کشور را قادر سازد که تصمیم بگیرد نبردی را در چند جبهه به‌راه اندازد و فلسطینیان را در برابر چالشی نسبت به پاسخ و یا رد چنین درخواستی از سوی ایران قرار دهد با علم به اینکه ارزیابی ایران از چنین مشارکتی لازمه تحقق سیاست تقاطع آتش و یکپارچه سازی جبهه‌هاست.

امروز محور ایران بار دیگر در صدد جمع‌آوری و یکپارچه سازی صفوف خود بوده و طرف‌های آن معتقدند که مشارکت یکباره در هر رویارویی و موشک باران رژیم صهیونیستی در تمامی جبهه‌ها، توجیهات اخلاقی، ملی و منافع خود را دارد زیرا ایالات متحده آمریکا پس از پایان حمله به ایران یا تجاوز «رژیم صهیونیستی» به حزب الله یا برعکس، جنگ را به غزه خواهد کشاند و یک چنین رویارویی، شکل منطقه‌ای به خود خواهد گرفت.

رژیم صهیونیستی معتقد است که ایران اوجگیری در منطقه را به نفع خود می‌داند زیرا در حال حاضر با تحریم‌های جدید آمریکا مواجه است که در حال حاضر نیز وارد مرحله اجرایی شده است و

احتمالاً به سمت آغاز رویارویی جدیدی بین حزب الله یا فلسطینیان و رژیم صهیونیستی روی آورد و در پایان آن به یک معامله منطقه‌ای - بین‌المللی دست یابد، این در حالی است که ایران امیدوار است از طریق آن سبب کاهش تحریم‌های سخت آمریکا علیه خود گردد.

با توجه به رشد روابط فلسطینیان با ایران طی ماه‌های اخیر و احتمال مشارکت آنان علیه جنگ آمریکا ضد ایران و یا تجاوز رژیم صهیونیستی به حزب الله، علیرغم حساسیت موضعشان و دشواری ارزیابی آنان، احتمالات مبنی بر آغاز جنگی در چند جبهه رو به فزونی است.

تحولات میدانی مرتبط با مساله تعدد جبهه‌های جنگ در مقابله با آمریکا و «رژیم صهیونیستی»، با موضعگیری سریع گروه‌های فلسطینی که بمباران مکرر رژیم صهیونیستی علیه پایگاه‌های نظامی ایران و محموله‌های سلاح حزب الله در داخل اراضی سوریه را محکوم می‌کنند، گویای این امر است.

چنین مواضع پیشرفته‌ای می‌تواند مقدمه‌ای برای ایجاد جبهه نظامی جدید و یکپارچه توسط ایران علیه «رژیم صهیونیستی» گردد که از سوریه، لبنان و نوار غزه با توجه به روابط نظامی مستحکم ایران با سازمان‌های فلسطینی و از طریق قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس پاسداران انقلاب اسلامی، فعال خواهد شد و ایران پاسخ ایالات متحده آمریکا و «رژیم صهیونیستی» را از طریق اراضی فلسطین خواهد داد.

«رژیم صهیونیستی» مدعی است، از این رویکرد ایران غافلگیر نخواهد شد زیرا بازوان نظامی فلسطینیان بخش تفکیک‌ناپذیری از محور نظامی ایران علیه این رژیم است و تهران با ارسال اموال به آنها این پیام را به «رژیم صهیونیستی» می‌دهد که فلسطینیان یکی از اجزای چهارگانه محور موجود در منطقه در کنار ایران، سوریه و حزب الله هستند.

چنین وضعیتی رویای ایران در تکمیل حلقه‌های محاصره «رژیم صهیونیستی» را محقق می‌کند تا بتواند با ده‌ها هزار موشک در زمان لحظه صفر بمباران، شهرهای آن را ویران و ساکنین آن را به خارج از مرزها کوچ دهد و تمامی مراکز حیاتی رژیم صهیونیستی را در زمان وقوع جنگ منهدم نماید.

سخنان هریک از طرفین ایرانی و رژیم صهیونیستی پیرامون وحدت جبهه‌های نبرد در شرایط افزایش تشنج و تقابل رژیم صهیونیستی با ایران و سوریه و افزایش تنش میان ایران و آمریکا رو به افزایش است به نحوی که تهران را به سمت تلاش برای تحریک «رژیم صهیونیستی» از طریق سایر جبهه‌های نظامی می‌کشاند تا مراکز داخلی و خارجی آن را مورد هدف قرار دهد به هر اندازه که احساس کند در رویارویی دست برتر و بالا را دارد، ایران همچنان در پی یافتن پاشنه آشیل

رژیم صهیونیستی است تا از طریق آن ضربه خود را وارد کند.

در ارتباط به آنچه گفته شد، سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی هر چند وقت اعلام می‌کند در کرانه باختری هسته‌هایی را که فعالیت‌های مسلحانه و امنیتی به نفع ایران دارند، منهدم نموده است و مدعی است که ایران آنها را برای جذب نیروهای مسلح با هدف حمله به رژیم صهیونیستی بسیج کرده است و این مساله چند سؤال را پیرامون اتهامات رژیم صهیونیستی علیه ایران مبنی بر فعالیت در عرصه فلسطین مطرح می‌کند و اینکه اطلاعات دقیقی از دخالت ایران در اختیار دارد که باعث شده درست در این زمان، چنین اتهاماتی را علیه ایران مطرح کند.

ایرانیان تمایل خود را به افزایش دامنه تنش و جنگ علیه رژیم صهیونیستی در خارج از اراضی خود، پنهان نمی‌دارند و ابزارهای مختلفی برای از بین بردن موانع و رساندن سلاح و پول به اراضی فلسطین در اختیار دارند، از جمله امکان تسلط بر آبراه‌های منطقه نزدیک به شاخ آفریقا را در اختیار دارند و می‌توانند با استفاده از حوادث سوریه به مرزهای جغرافیایی مرتبط با فلسطین و اردن نزدیک شوند. این موضوع چالشی برای «رژیم صهیونیستی» و تشکیلات خودگردان فلسطین جهت خنثی نمودن ورود سلاح ایرانی به کرانه باختری از طریق افزایش هماهنگی‌های امنیتی فیما بین طرفین است.

تلاش ایران برای تثبیت فرضیه وحدت جبهه‌ها و در قلب آن صحنه فلسطین در تأمین مالی و سلاح هسته‌ای نظامی متمرکز شده است تا نگرش‌های ایران در عرصه فلسطین تحقق یابد و با حمایت از تشکیلات نظامی در اراضی فلسطین و تأمین مالی و تسلیحاتی آن، تلاش زیادی را صرف می‌کند تا نفوذ خود را در آن تثبیت کند.

تنش میان آمریکا و ایران در حالی بروز یافت که روابط ایران و فلسطین و بطور دقیق‌تر با نیروهای مقاومت، رشد فزاینده‌ای یافت؛ گویا می‌خواهد مراحل بیشتری را به آتش بکشد. این رشد فزاینده در طی هفته‌های اخیر در دو محور بروز نموده است: در گفتار و عمل و هر دو مرحله چون یک کانون واحد و با اهداف مشترک و نگرش‌های مورد توافق است. این امر به نفوذ ایران در منطقه پر تنش خاورمیانه شتاب بیشتری می‌بخشد و سایه‌های مختلف آن بر طرف‌های مختلف بطور مثبت و منفی، هریک بر اساس مواضع و اهداف خود، سایه می‌افکند.

ورود فلسطین در رویارویی منطقه‌ای

گروه‌های مقاومت فلسطین بطور اعم و جنبش حماس بطور اخص، اعلام می‌کنند که «با ایران

روابط ویژه‌ای دارند زیرا رژیم صهیونیستی دشمن مشترک ماست و روابط ما با ایران مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته و راهبرد ما با این کشور بر اساس مقابله با «رژیم صهیونیستی» است، دشمن ما مشترک است و ایران لحظه‌ای از حمایت فلسطین دست برنداشته و آخرین آن راهپیمایی‌های بازگشت در غزه است و طرفین به شراکت راهبردی در سرنوشت دست یافته‌اند».

در پیام /اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس به حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی آمده است که: «ملت فلسطین مواضع ایران در ارائه انواع کمک و حمایت از مقاومت ارج می‌نهد»، موسی /ابومرزوق عضو دفتر سیاسی حماس نیز اعلام داشته که «روابط ما با ایران ممتاز است زیرا این کشور کمک‌های بسیاری به جنبش نموده در حالی که دیگران چنین کمک‌هایی را به ما نداده‌اند» و از سوی دیگر یحیی سنوار رهبر حماس در غزه اعلام کرد که «روابط ما با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرمانده (سپاه قدس) آن مستحکم بوده و ایران در ارائه انواع حمایت از جنبش کوتاهی ننموده است».

روابط دوجانبه میان حماس و ایران به شکل قابل ملاحظه‌ای به هم نزدیک شده و به شکل سفرهای مکرر رهبران جنبش به ایران و بیان تصریحات متقابل درباره قدرت جنبش درآمد که شاید مهمترین آن استفاده حماس در تقویت روابط خود با تهران از آنچه که می‌توان به عنوان «دیپلماسی پیام‌های تسلیت» نامید، باشد که آخرین آن پیام تسلیت جنبش به ایران به مناسبت جانباختگان حمله به رژه نظامی در اهواز باشد و علاوه بر آن پیام تسلیت حماس به قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قبل از آن پیام تسلیت به مناسبت وفات رئیس جمهور اسبق ایران آقای هاشمی رفسنجانی است.

لازم به یادآوری است که حماس برای تحکیم روابط خود با تهران نیازی به دیپلماسی پیام‌های تسلیت ندارد، زیرا آنچه انجام داده در راستای وظیفه انسانی و پروتکلی با تمامی کشورهای عربی و اسلامی و تمامی طرف‌هایی است که با آنها رابطه سیاسی دارد، علیرغم وجود روابط ویژه بین حماس و ایران، هر دو طرف دشمن مشترکی چون رژیم صهیونیستی دارند.

پیام‌های تسلیت حماس به ایران یکی از راه‌های نزدیک شدن طرفین و تمایل به حفظ قطب‌نما به سمت «رژیم صهیونیستی» و مخالفت با سرگرم شدن ایران به مسائل داخلی است که می‌تواند در حمایت این کشور از فلسطینیان تأثیر گذار باشد. حماس به عنوان اولین گروه به ایران پیام تسلیت فرستاد و به دنبال آن سایر گروه‌های مقاومت چون جهاد اسلامی، مقاومت مردمی، کمیته‌های مقامات مردمی، جبهه خلق و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین پیام‌های تسلیت خود را به ایران ارسال کردند.

در مقابل سرتیپ «حسین اشتری» فرمانده نیروی انتظامی کشور ایران آمادگی خود را برای آموزش مقاومت فلسطین و انتقال تجربیات و تنظیم دوره‌های آموزش نیروهای جبهه مقاومت اعلام کرد و علی اکبر ولایتی مشاور حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی تاکید نمود که حماس به حمایت ایران از مقاومت چشم امید دوخته است و سردار غیب پرور فرمانده سپاه پاسداران از مقاومت فلسطین و در رأس آن حماس که تاکید نموده حمایت ایران از مسأله فلسطین به هدف مقابله با معامله قرن است، تمجید نموده است.

به دشواری می‌توان اظهار داشت چنین بیانات گرمی که از تهران و غزه بیان شده نه تنها مصرف رسانه‌ای و تعارفات سیاسی دارد، بلکه بیانگر هم‌پیمانی و تبادل منافع و تصمیم راهبردی است و تهران طی مدت اخیر به عنوان یکی از عناوین ثابت سفرهای حماس و جهاد اسلامی بوده و در ایران رهبران رده اول کشور همواره رهبران این دو گروه را مورد استقبال قرار داده‌اند.

ایران از طریق رفتارهای عملی و میدانی خود، تلاش آشکاری در حمایت از مقاومت فلسطین نشان داده و نمود روشن آن اعلام مخالفت اسحاق آل حبیب معاون نماینده دائم ایران در سازمان ملل است که با طرح آمریکایی در محکومیت حماس در سازمان ملل مخالفت نموده است.

ایران در ماه نوامبر گذشته اعلام کرد کمک مالی خود به خانواده‌های شهدا و مجروحین راهپیمایی‌های بازگشت در غزه خواهد داشت و در ماه ژوئن ۵۰۰ دلار به هر یک از خانواده‌های شهدای راهپیمایی‌های بازگشت در غزه (به هریک از مجروحین مبلغ ۲۵۰ دلار) کمک کرد. تعداد شهدا نزدیک به ۲۰۰ نفر و تعداد مجروحین بالغ بر ۲۰ هزار نفر بودند، و در ماه می کمیته امداد در غزه به هزاران نفر از فلسطینیان افطاری داد و در طول ماه مبارک رمضان حدود ۳۰۰ هزار وعده افطاری داد.

در خصوص کمک‌های مادی و نظامی محض، با توجه به حساسیت مسأله و محرمانه بودن آن، اطلاعات دقیقی در دست نیست و تنها بر اساس ارقام و آمار محافل رژیم صهیونیستی، ارزیابی‌هایی ارائه شده است، از جمله ژنرال غادی آیزنکوت فرمانده ارتش رژیم صهیونیستی در ماه ژانویه ۲۰۱۸ اعلام کرد که ایران به حماس و سایر گروه‌های فلسطینی بطور سالانه مبلغ یکصد میلیون دلار کمک می‌کند، بر همین اساس بنیامین نتانیاهو نخست رئیس رژیم صهیونیستی ادعا کرد که نیمی از فلسطینیان تحت نفوذ ایران قرار دارند.

در پرتو تنش فزاینده بین ایران و آمریکا و همپیمانان آن‌ها در منطقه، طبیعی است که تهران به هدف مقابله با «رژیم صهیونیستی» در صدد تشکیل جبهه نظامی واحدی متشکل از تهران-دمشق-بیروت-غزه و ضمن آن راهبرد «توحید و یکپارچگی جبهه‌ها» باشد، امری که مقاومت فلسطین در

مناسبت‌های مختلف آن را مورد تأیید و حمایت قرار داده است.

هرچند که طرفین فلسطینی و ایرانی ماهیت چنین جبهه‌ای را فاش ننموده‌اند که چه کسی از چه کسی دفاع خواهد کرد و اگر مقاومت فلسطین ملزم به پاسخگویی به تجاوزات رژیم صهیونیستی علیه لبنان، ایران و سوریه است، آیا این کشورها نیز بطور جمعی و یا انفرادی ملزم به پاسخگویی به تجاوزات رژیم صهیونیستی علیه غزه خواهند بود؟

افزایش تنش‌های اخیر میان ایران و آمریکا، احتمالاً موجب افزایش مناقشات جاری بین طرف‌های این محور جهت اتخاذ تصمیم روشنی در خصوص چگونگی تعامل با این رخداد جدید شده است، و به محض اعلام تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران، فلسطینیان واکنش‌هایی را در مخالفت با این تحریم‌ها و حمایت و همبستگی با ایران از خود نشان داده‌اند.

حماس اعلام می‌کند که تحمیل چنین تحریم‌هایی علیه ایران به هدف متزلزل ساختن امنیت منطقه و در خدمت به ثبات «رژیم صهیونیستی» به حساب مسأله فلسطین است و با ایران جهت مقابله با گستاخی آمریکایی-صهیونیستی اعلام همبستگی نموده است.

جنبش جهاد اسلامی نیز تحریم‌های آمریکا علیه ایران را گردن کلفتی و چماق‌زنی توصیف کرد و این اعتقاد را نزد مردم فلسطین تقویت نمود که واشنگتن بدون هیچ‌گونه مانعی جهان را به فساد کشانده و باید با آن مقابله کرد.

کمیته‌های مقاومت مردمی فلسطین نیز تأکید نمودند که تحریم‌ها، مجازاتی از سوی آمریکا علیه ایران، به دلیل حمایت این کشور از مقاومت فلسطین و بخشی از معامله قرن آمریکایی است، ائتلاف نیروهای مقاومت فلسطین نیز اعلام داشت که تحریم‌های آمریکا اراده ایران و رهبری فرزانه آن را سست نخواهد کرد.

گروه‌های مقاومت فلسطین به خوبی می‌دانند که تحریم‌های آمریکا علیه ایران در حمایت از آن‌ها تأثیر خواهد گذاشت زیرا یکی از دلایل این تحریم‌ها، کمک ایران به فلسطینیان بوده است و این گروه‌ها نگران تأثیر تحریم‌ها در قدرت و توان ایران در ادامه حمایت از آن‌ها است، بنابر این «رژیم صهیونیستی» از این واهمه دارد که گروه‌هایی را که ایران مورد حمایت قرار می‌دهد یک موضع عملی در قبال تحریم‌ها اتخاذ کنند، زیرا آن‌ها می‌توانند با بازوهای موشکی کوبنده خود این رژیم را مورد حمله قرار دهند.

لازم به یادآوری است که موضع سازمان‌های فلسطینی علیه تحریم‌ها فقط بخاطر ترس از متوقف شدن حمایت ایران نیست بلکه این کشور هم‌پیمان آن‌هاست و در هر شرایط سختی از آنها حمایت می‌کند و مواضع آن با راهبرد «توحید و یکپارچگی جبهه‌ها» بین تهران و فلسطینیان کاملاً منسجم

بوده و شاید ایران با تقویت حمایت خود از فلسطینیان و افزایش حمایت از آنها، به تحریم‌ها پاسخ دهد زیرا این کشور باید برگ‌های خارجی خود را جهت مقابله با اوجگیری آمریکایی-صهیونیستی تقویت نماید.

چنانچه بنظر می‌رسد نیروهای مقاومت فلسطین گزینه خود را در جانبداری از ایران انتخاب نموده است و در اینجا چندین سؤال مطرح می‌شود و آن اینکه آیا تنها به موضعگیری رسانه‌ای و سیاسی اکتفا خواهند کرد یا اینکه در حد رفتارهای میدانی و عملیات نظامی در عمل پیش خواهند رفت؟

نگرش فلسطینیان به ارزیابی رژیم صهیونیستی در قبال تحریم‌های ایران

آنچه بایستی مهم باشد موضع مقاومت فلسطین در قبال تنش‌های ایران و آمریکا در پرتو ارزیابی رژیم صهیونیستی از این تنش‌ها، و پیش از آن، تحریم‌های آمریکا علیه ایران در کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت، است. لذا جای تعجب و شگفتی ندارد که موضع رژیم صهیونیستی از زمان آغاز تحریم‌های آمریکا علیه ایران، مثبت بوده است. زیرا فشارهای بسیاری از طرف رژیم صهیونیستی و متحدانش در واشنگتن، علیه محافل تصمیم‌گیر در ایالات متحده آمریکا از کاخ سفید گرفته تا وزارت امور خارجه، پنتاگون و کنگره، اعمال شده و همه آنها در جهت ضرورت تحمیل این تحریم‌ها بوده است.

شتابزدگی رژیم صهیونیستی در استقبال از تصمیم آمریکا دو دلیل مهم داشت: اول اینکه تل‌آویو از این تحریم‌ها ابراز خوشحالی می‌کرد، به طوری که هر آنچه را که خواسته بود تحقق یافته می‌دید، و دوم حضور رژیم صهیونیستی در متن ترتیبات آمریکایی و در مراحل نهایی از سرگیری تحریم‌های اخیر بود.

رژیم صهیونیستی معتقد است که با آغاز اعمال این تحریم‌ها علیه ایران، مجموعه اهدافی برای آنها محقق خواهد شد: از جمله اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت و رسیدن به نقطه‌ای که تهران از اسباب قدرت استثنایی خود در منطقه تهی خواهد شد و «رژیم صهیونیستی» به عنوان دولت برتر کمی و کیفی نسبت به تمامی کشورهای منطقه همچنان محفوظ خواهد ماند.

گروه‌های مقاومت فلسطین به خوبی می‌دانند که مهمترین اهداف آنی رژیم صهیونیستی در قبال از سرگیری تحریم‌ها علیه ایران، بازگرداندن تصویری از این کشور در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، مبنی بر اینکه ایران کشوری مطرود و تحت تحریم‌های قدرت‌های بزرگ جهان قرار دارد و این امر سبب خواهد شد که هر کشوری به دلیل پرهیز از مقابله با «ترامپ وحشتناک» از

این کشور فاصله بگیرد.

با وجود اینکه یکی از مهمترین دلایل مخالفت «رژیم صهیونیستی» در مقابل توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های بزرگ در زمان باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، این بود که از این طریق ایران به یک کشور طبیعی و عادی باز می‌گشت، اما امروز امور برای رژیم صهیونیستی به وضعیت قبلی بازگشته و طبق تبلیغات رژیم صهیونیستی، از این پس از ایران به عنوان محور شرارت و یا رهبری شرارت، به تصویر کشیده خواهد شد.

دومین هدف میان‌مدت رژیم صهیونیستی در قبال تحریم‌های ایران درگیری این کشور به امورات داخلی خود است، یعنی بطور تدریجی از دخالت در امور منطقه و حمایت از سازمان‌هایی که با «رژیم صهیونیستی» خصومت دارند، چه در فلسطین و لبنان و یا جاهای دیگر، دست بر خواهد داشت و نیز طرح‌های ایران در تداوم گسترش پایگاه‌هایش در سوریه با مانع مواجه خواهد شد.

سومین هدف منافع رژیم صهیونیستی از این تحریم‌ها در بلندمدت ایجاد شکاف‌های بنیادی و اجتماعی در داخل دولت ایران است، زیرا این تحریم‌ها بر اساس ارزیابی‌های آمریکا بی‌سابقه بوده و احتمالاً می‌تواند خواسته‌های تل‌آویو و واشنگتن را در ایجاد خلل در ارکان نظام ایران و رسیدن به اعتراضات داخلی به دلیل بحران اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم، محقق کند.

اهداف مطرح شده رژیم صهیونیستی، به دلیل تداخل جغرافیایی و همگرایی منافع، به دور از تفکر آن در اداره صحنه فلسطین نیست بدین مضمون که باید اکسیژن حیات بخش سازمان‌های فلسطینی را بر اساس این اصل و قاعده که باید سر و تامین‌کننده مالی را زد، قطع کرد.

لذا، پاسخ فلسطین به استقبال رژیم صهیونیستی از تحمیل تحریم‌های جدید علیه ایران و افزایش اوجگیری‌های آمریکا علیه این کشور، تحکیم روابط مقاومت فلسطین با ایران بود، زیرا شاهد آن است که گزینه‌های منطقه‌ای رو به افول است و تنها گزینه ایران برای او باقی می‌ماند که علیرغم بحران اقتصادی فزاینده، کشوری که با مرور زمان بخاطر بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه آن، کمک‌های آن افزایش خواهد یافت و همچنان مال و سلاح در اختیارش قرار می‌دهد.

در کنار حمایت مالی ایران و نیاز مقاومت فلسطین به آن و با توجه به کاهش سطح روابط منطقه‌ای خود طی سالیان اخیر، خود را نیازمند به محوری می‌داند که به سمت آن بروند و این امر باعث گردیده که ایران به سمت از سرگیری روابط خود با مقاومت فلسطین و تقویت و گسترش آن و رسیدن به مرحله توحید و یکپارچگی جبهه‌های نبرد در مقابله با «رژیم صهیونیستی» روی آورد، جبهه‌هایی که از ایران تا سوریه و لبنان و غزه امتداد دارد.

در زمان نگارش این پژوهش، می‌توان گفت تنش میان ایران و آمریکا به جایی رسیده است که

می‌تواند از اوجگیری کلامی و تهدیدهای متقابل فراتر رود و دو طرف بر روی لبه تیغ در حرکت هستند و احتمالاً هر حادثه میدانی گذرای می‌تواند امور را به سمت رویارویی نظامی مستقیم بین دو طرف سوق دهد، چه به صورت مستقیم بین تهران و واشنگتن و یا بطور غیرمستقیم بین هم‌پیمانانشان در منطقه.

تنش فزاینده میان ایران و آمریکا در برهه کنونی مجموعه سؤالاتی را همگام با این فرضیه مطرح می‌کند، از جمله: آیا «رژیم صهیونیستی» همزمان با اوجگیری موجود در منطقه خلیج فارس، علیه این جبهه‌ها، حمله‌ای را چه به صورت انفرادی یا جمعی، آغاز خواهد کرد؟ یا اینکه جبهه‌های مذکور بطور یکپارچه حمله‌ای را علیه «رژیم صهیونیستی» آغاز خواهند کرد؟ موضع فلسطینیان در قبال پیوستن به ایران چه خواهد بود؟ و موضع ایران و حزب الله در صورت وقوع حمله رژیم صهیونیستی به غزه چه خواهد بود؟

ایرانیان و نیز سوری‌ها، حزب الله و فلسطینیان معتقدند که بازدارندگی رژیم صهیونیستی به بدترین مرحله خود رسیده است و نمود بارز آن در تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی به غزه در ماه می ۲۰۱۹ م مشهود بود، این امر می‌تواند آنان را تشویق کند که همزمان با تعرض ایران به هرگونه حمله خارجی، دست به اجرای عملیات میدانی علیه «رژیم صهیونیستی» بزنند.

در مقابل، تمایل ارتش رژیم صهیونیستی به عقب‌نشینی در مرحله اوجگیری‌های اخیر علیه مقاومت فلسطین است که چه بسا به دلیل آمادگی برای وارد کردن ضربه سنگین به کارخانه‌های ساخت موشک در لبنان و یا هدف قرار دادن تعداد بیشتری از پایگاه‌های ایران در سوریه باشد، چنین عملیاتی همزمان با تحولات جاری مبتنی بر عقب‌نشینی از توافق هسته‌ای از یک سو و از سوی دیگر تحمیل تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران، می‌تواند سرآغاز جنگ گسترده‌ای باشد.

تا زمانی که ایران حمایت از مقاومت فلسطین را یک وظیفه دینی و اولویت مهم می‌داند، سعی خواهد کرد از موانع امنیتی رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان عبور کند، موفقیت حمایت نظامی و مالی ایران در نوار غزه در مقابله با جنگ‌های رژیم صهیونیستی ثابت شده است و تا زمانی که مقاومت فلسطین باور داشته باشد ایالات متحده آمریکا از طریق معامله قرن سعی دارد مسأله فلسطین را از بین ببرد؛ برای خنثی نمودن این توطئه، نقش ایران در مقابله با آن مورد توجه و اهتمام خواهد بود.

چنین بنظر می‌رسد که مقاومت فلسطین از اینکه روابطش با ایران پایدار و راهبردی است و مشمول منافع موقت و آنی نیست، اطمینان دارد و این امر تاکیدی بر این است که یک تصمیم‌گیری رسمی از سوی دوطرف برای توسعه روابط فیما بین وجود دارد و نیز چنین بنظر

می‌رسد که طرفین در مرحله راهبردی جدیدی قرار دارند. با توجه به حمایت ایران از این گروه‌ها به عنوان اینکه جنبش‌های مقاومت هستند و توجه و اهتمام جنبش‌های مقاومت به توسعه روابط خود با ایران، طرفین شریک راهبردی و استراتژیک هم هستند، توسعه روابط طرفین در راستای چیدمان مجدد برگ‌های منطقه طی ماه‌های اخیر است و مستلزم آن است که طرفین نیز جهت درک تحولات جاری، ترتیبات جدیدی را اتخاذ نمایند.

پایان

تحکیم روابط میان ایران و مقاومت فلسطین، با توجه به نیاز دو طرف به یکدیگر به‌ویژه در مقطع دشوار کنونی، برای طرفین مهم است، به‌ویژه آن که چند سال پیش ایران برای اولین بار در طول تاریخ دیپلماسی خود، با صراحت اعلام کرد نیروهای مسلح فلسطینی را که با رژیم صهیونیستی می‌جنگند، مورد حمایت قرار می‌دهد و بدون تردید ایران در دستیابی مقاومت به موشک‌هایی که بتواند شهرهای تل‌آویو و قدس را مورد حمله قرار دهد، ایفای نقش می‌کند.

هرچند که تهران در گذشته همواره از بیان نوع کمک‌های «نظامی و تسلیحاتی» خود به نیروهای هم‌پیمانش، بخاطر ترس از اینکه جهانیان آن را متهم به حمایت از تروریسم کند، خودداری می‌نمود، ولی طی سالیان اخیر این اقدام را برملا نمود و حتی در پی جنگ گذشته علیه غزه، آن را یک «پیروزی برای ایران» توصیف کرد.

لذا می‌توان چنین جهشی از سوی ایران و عهده‌داری چنین حمایتی را ضمن نتایج مترتب بر آن از جمله نشان دادن افزایش نفوذ ایران در صحنه فلسطین و یا طرح نظریه‌ای مبتنی بر اینکه در مقابل حمایت از مقاومت فلسطین، در صورت هرگونه حمله آمریکا به این کشور، منتظر اقدام متقابل آن‌ها خواهد بود تا مقامات فلسطین در خدمت به ایران، از طریق سرگرم کردن «دشمن» و گشودن چند جبهه در آن واحد، بتواند از فشارهای نظامی علیه «کشور مادر» بکاهد.